

ارزیابی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی پروژه احداث سد کارون ۳

شهرستان ایذه

ذوالفقار احمدی اوندی^۱، سجاد بهمنی^۲

عزیزالله سپهوند^۳ و علی لجم اورک مرادی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۵

تاریخ وصول: ۹۳/۸/۳

چکیده:

هدف اصلی پژوهش حاضر ارزیابی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی پروژه احداث سد کارون ۳ است که با استفاده از روش کیفی اجرا شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد افرادی که تحت تأثیر اثرات منفی سد کارون ۳ قرار گرفته‌اند عبارتند از: خانواده‌های نقل مکان شده از محل خود، جوامع میزبان و پذیرنده و جوامع ساکن در حاشیه رودخانه‌ی کارون می‌باشند. مهم‌ترین پیامد احداث سد کارون ۳ ویرانی نظام تولید سنتی و مهاجرت روستائیان به سوی شهرها بوده است که این امر خود منجر به از دست دادن هویت، از بین رفتن همبستگی و روابط خویشاوندی، افزایش فردگرایی و انزوا، حاشیه‌نشینی و بزهکاری و در نهایت فقر و بیکاری بوده است. از سویی دیگر، با احداث سد کارون ۳ و با توجه به جابه‌جایی و تجمیع صورت گرفته می‌توان به بروز مسائلی از قبیل برهم خوردن نظام همسایگی، کم‌رنگ شدن ارتباطات اجتماعی به دلیل برهم خوردن نظام گذشته، کم‌رنگ شدن آداب و رسوم خاص محلی به دلیل ورود افراد از سایر روستاها و تجمیع ساکنان روستاهای مختلف در یک مکان، از بین رفتن راه‌های ارتباطی و کاهش سرمایه‌ی اجتماعی را برای روستائیان حاشیه‌ی سد برشمرد.

مفاهیم کلیدی: ساخت سد، پیامدهای اجتماعی - فرهنگی، مهاجرت، فقر و بیکاری

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات توسعه دانشگاه تهران (نویسنده‌ی مسئول)

zahmadiavendi@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان sajadbahmaee@gmail.com

^۳ کارشناس ارشد مدیریت انتظامی دانشگاه علوم انتظامی sepehvandaziz37@gmail.com

^۴ دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز lajmorak.a@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

ارزیابی تأثیر اجتماعی^۱ شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که فراهم‌کننده‌ی دانش لازم برای تحلیل منظم و پیشاپیش تأثیرات اقدام، برنامه، پروژه یا تغییر سیاست پیشنهادی در کیفیت زندگی روزمره افراد و اجتماعاتی که محیطشان تحت تأثیر است، می‌باشد. تأثیرات (یا اثرها و پیامدهای) اجتماعی به تغییراتی اشاره دارد که اقدام پیشنهادی در سطح اجتماعی یا فردی به بار می‌آورد و شیوه‌ی زندگی، کار و تفریح روابط افراد با یکدیگر، نحوه‌ی برآوردن نیازهایشان و بطور کلی شیوه‌ی انطباقشان بعنوان اعضای جامعه را تغییر می‌دهد (برج^۲، ۱۳۸۹: ۲۶). مراحل اساسی در فرایند ارزیابی تأثیر اجتماعی به گفته‌ی رابل جی برج ۹ مرحله می‌باشند که عبارتند از: ۱- تدوین برنامه‌ای برای جلب مشارکت عمومی؛ ۲- توصیف اقدام پیشنهاد شده (و جانشین‌های ممکن)؛ ۳- تاریخچه و وضعیت اولیه (نیم‌رخ اجتماعی)؛ ۴- دامنه‌یابی؛ ۵- بررسی تأثیر اقدام پیشنهادی؛ ۶- انعکاس واکنش به تأثیرات پروژه؛ ۷- تغییر اقدام پیشنهادی؛ ۸- تعدیل و بهبود و ۹- نظارت و پیگیری اجتماعی (همان: ۸۱-۸۰).

از آنجایی که پروژه‌ی سد کارون ۳ در آبان ماه ۱۳۸۳ مورد بهره‌برداری قرار گرفت، هدف این پژوهش، شناخت تأثیرات مثبت و منفی پروژه جهت به حداقل رساندن اثرات منفی و به حداکثر رساندن اثرات مثبت آن است. بعبارت دیگر، کار ارزیابی در این پژوهش بر مبنای مرحله‌ی تعدیل و بهبود (مرحله‌ی هشتم فرایند ارزیابی تأثیر اجتماعی) قرار دارد؛ یعنی مرحله‌ای که بر اثر اجرای پروژه‌ی پیشنهادی، تأثیرات اجتماعی معناداری در مرحله‌ی تحلیل مشخص شده‌اند، از این‌رو انواع مختلفی از سنجش‌های تعدیل را به منظور به حداقل رساندن تأثیرات منفی و به حداکثر رساندن تأثیرات مثبت بکار برده می‌شود. مسئله‌ی تغییرات اجتماعی و زندگی جمعی همواره در طول تاریخ با مسئله‌ی توسعه در ارتباط بوده است. از جمله اقداماتی که منجر به تغییراتی گسترده در زندگی اجتماعی و جمعی می‌گردد، ساخت سد می‌باشد. از آنجایی که جمعیت جهان در قرن اخیر از یک میلیارد و شصت و پنج میلیون نفر به بالای شش میلیارد نفر افزایش یافت، تقاضا برای آب و انرژی بصورت تصاعدی افزایش داشته و دولت‌ها برای پاسخ‌گویی به این نیازها، سدهای بزرگی را برای تولید برق، آبیاری کشاورزی، کنترل سیل، ذخیره‌سازی آب و استفاده‌های

^۱ social impact assessment

^۲ Burdge

متنوع دیگری ساخته‌اند (آبرد^۱، ۲۰۰۱: ۲۴). به گونه‌ای که بر مبنای گزارش شبکه‌ی بین‌المللی رودخانه‌ها، بر روی بیش از ۶۰ درصد رودخانه‌های اصلی جهان، سد ساخته شده است (همان: ۲۶). بنا بر گزارش کمیسیون جهانی سدها، تا سال ۱۹۳۰ دست کم تعداد ۴۵۰۰۰ سد در سراسر جهان ساخته شده بود (حسین^۲ و دیگران، ۲۰۱۰: ۱). در واقع تعداد نزدیک به ۷۰۰ سد در هر ۱۰ سال تا ۱۹۵۰ ساخته شده بود که این تعداد بعد از ۱۹۵۰ بطور سریعی افزایش یافته است (طهماسکیوغلو^۳ و دیگران، ۲۰۰۷: ۷۶۰).

یکی از مهم‌ترین مسائل سدها در زمان اجرا و پس از آن، ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بحث جابه‌جایی سکونت‌گاه‌هایی است که در پشت مخزن سد قرار می‌گیرند. این نوع جابه‌جایی با توجه به اینکه از روی اضطرار صورت می‌گیرد به جابه‌جایی اجباری یا اسکان اجباری معروف است. ایجاد سدها باعث تغییر الگوهای کاربری اراضی، آب و سایر منابع طبیعی شده و می‌تواند در گستره‌ای وسیع تأثیرات منفی بگذارد. این تغییرات سبب وارد آمدن خسارت به روستائیان می‌شود و به همین دلیل ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و شبکه‌های مربوط گسیخته شده و ارائه‌ی خدمات اجتماعی و غیره را با مشکلاتی مواجه می‌سازد (رحمتی و نظریان، ۱۳۸۹: ۵۴). کمیسیون جهانی سدها اعلام کرده که بین ۴۰ تا ۸۰ میلیون نفر از مردم جهان بر اثر احداث سد، مجبور به جابه‌جایی شده‌اند. بررسی‌های بانک جهانی از پروژه‌های اجرایی سد در میان سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۳ حاکی از آن بود که بر اثر ساختن ۳۰۰ سد بزرگ، سالانه ۴ میلیون نفر از مردم جابه‌جا شده‌اند (نامی و ایوانس^۴، ۲۰۰۷: ۱۲). مشکل اصلی در جابه‌جایی اجباری پیامدهای منفی آن، فقر و کاهش سطح معیشت مردم است که با اهداف توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه کاملاً در تضاد است. این موضوع از این‌رو جدی است که بیشتر این افراد قبلاً با فقر شدید و شرایط نامطلوب زندگی مواجه بوده‌اند و آثار منفی سرمایه‌گذاری زیربنایی، آن‌ها را در وضعیت بدتری قرار می‌دهد. افرادی که در چنین موقعیت‌های نامناسبی مثلاً اطراف سدها ساکن هستند، عموماً افرادی بومی، اقلیت‌های قومی و روستائینان هستند.

¹ Aird

² Hossain

³ Tahmiscio lu M.

⁴ Namy&Evans

وقتی مردم به اجبار جابه‌جا می‌شوند، نظام تولیدی رو به ویرانی می‌گذارد، چرا که بیشتر شغل‌ها، زمین‌های مرغوب و سایر دارایی‌ها درآمدزا نبود شده و سطح عمومی بهداشت نیز پایین‌تر می‌آید. گروه‌های خویشاوندی و شبکه‌های غیر رسمی اجتماعی پراکنده شده و ارتباط بین تولیدکنندگان و مشتریان غالباً گسسته و دانش محلی از پتانسیل توسعه باز می‌ماند. در پاره‌ای موارد هم لازم است که مقبره‌ها و زیارت‌گاه‌های تاریخی و مذهبی جابه‌جا یا زیر آب بروند. این موضوع باعث گسستن ارتباط مردم با نیاکان و هویت فرهنگ می‌شود. تمامی موارد فوق، سبب بدتر شدن شرایط زندگی مردم شده و علاوه بر این، زمانی که جا به جایی‌ها شدید باشند، اقتصاد محلی و منطقه‌ای دچار ضعف می‌گردد (رحمتی و نظریان، ۱۳۸۹: ۵۶). اجرای پروژه‌ی سد کارون ۳ بعنوان یکی از طرح‌های عمرانی کشور، مانند دیگر برنامه‌ها و فرآیندهای توسعه‌ای بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت کشور را در سطوح ملی منطقه‌ای و محلی تحت تأثیر پیامدهای مثبت و منفی خود قرار داده است. ارزیابی این اثرات هدف اصلی مطالعه بوده است. در این ارزیابی کوشش شده است پس از ارزیابی تصویری از وضعیت موجود منطقه، اثرات مهم پروژه مشخص گردد. پس از تعیین این اثرات و طبقه‌بندی آن‌ها به آثار مثبت و منفی، روش‌های کاهش و تخفیف اثرات منفی پروژه بر منطقه، در قالب توصیه‌ها و پیشنهاداتی که از قابلیت اجرایی کافی نیز برخوردار باشد، ارائه شده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

در ارتباط با تغییرات ناشی از سد می‌توان گفت که پژوهش درباره‌ی جابه‌جایی جمعیت‌ها به علت ایجاد سدها و آب‌بندها نشان داد که سالمندان و کم‌سوادها یا بی‌سوادها و اقلیت‌ها در سازگاری با مکان‌های جدید مشکل دارند. اگر موانع فیزیکی ایجاد شده باشد، پیوندهای دوستی و خویشاوندی گسسته می‌شود و ایجاد دوباره‌ی آن‌ها دشوار است (برج، ۱۳۸۹: ۱۰۵)؛ بنابراین ممکن است که آثار کلی این جابه‌جایی به صورت مشکلات اجتماعی و اقتصادی از جمله بیکاری، ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر جرم و جنایت، کاهش تولید، مهاجرت‌های ناخواسته و بیماری‌های روانی و احساس بی‌په‌ودگی و از دست دادن پشتوانه‌ی فرهنگی ظاهر شود. از این‌رو بحث و بررسی درباره‌ی تحولات اجتماعی ناشی از احداث سد کارون ۳ جهت برنامه‌ریزی دقیق در جهت کاهش اثرات منفی آن و تقویت

اثرات مثبت و دستیابی به راه حل مسائل و توسعه‌ی منطقه‌ای کاری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

اهداف پژوهش

- ۱- تعیین حوزه‌ی نفوذ پروژه
- ۲- شناسایی افراد متأثر از پروژه
- ۳- شناسایی پیامدهای مثبت و منفی پروژه
- ۴- شناسایی آبادی‌ها و مشخصات جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی آن‌ها
- ۵- شناسایی آثار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی اسکان مجدد روستائیان داخل مخزن سد
- ۶- شناسایی آثار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی روستائیان حاشیه‌ی دریاچه‌ی سد
- ۷- ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای کاهش پیامدهای منفی و تقویت پیامدهای مثبت پروژه

روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، روشی کیفی است. به این منظور برای بخش نظری آن از کتابخانه، اسناد دست اول و برای بخش کیفی آن از مشاهده‌ی مستقیم و مصاحبه استفاده شده است.

در بیشتر مطالعات و تحقیقات اجتماعی استفاده از اسناد و مدارک اجتناب‌ناپذیر است، زیرا هر پدیده‌ی اجتماعی یا در گذشته روی داده و یا ریشه در گذشته دارد (طالب، ۱۳۹۱: ۱۴۸). اسناد و مدارک بکار گرفته شده در این تحقیق شامل کتاب‌ها، مجلات، گزارش‌ها، آمارنامه‌ها، نقشه‌ها، اطلاعات اینترنتی و غیره می‌باشند. شیوه‌ی مشاهده از عمده‌ترین و مهم‌ترین شیوه‌های تحقیق در علوم اجتماعی است. هیچ شیوه‌ای به اندازه‌ی مشاهده‌ی مستقیم در میدان تحقیق نمی‌تواند محقق را در رابطه‌ی نزدیک با پدیده‌های مورد مطالعه قرار دهد و یا در مطالعات اکتشافی داده‌های مورد نیاز را فراهم آورد. از

محسنات این شیوه، امکان برقراری ارتباط نزدیک بین محقق و پدیده‌ی مورد مطالعه است. روش بکار گرفته دیگر در این تحقیق، روش مصاحبه است. استفاده از مصاحبه در انجام بررسی‌های اجتماعی کاربرد فراوانی دارد و ابزار مطالعه‌ی اجتماعی محسوب می‌شود. در این تحقیق از نمونه‌گیری عمدی استفاده شده است.

توصیف منطقه مورد مطالعه

شهرستان ایذه واقع در شمال شرقی استان خوزستان می‌باشد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت این شهرستان ۲۰۳۶۲۱ نفر می‌باشد. شهرستان ایذه دارای سه بخش و ۱۰ دهستان می‌باشد که بخش‌های آن عبارتند از بخش مرکزی با ۵ دهستان، بخش دهدز با ۳ دهستان و بخش سوسن با ۲ دهستان. سد کارون ۳ در بخش دهدز احداث شده است. بخش دهدز در یک منطقه‌ی کوهستانی از سلسله جبال زاگرس واقع شده است، این منطقه در محدوده‌ی مختصات جغرافیایی ۳ و ۵۰ درجه تا ۲۱ و ۵۰ درجه طول شرقی و ۲۸ و ۳۱ درجه تا ۵۲ و ۳۱ درجه عرض شمالی قرار دارد که از شمال شرقی به استان چهارمحال بختیاری، از جنوب شرقی به استان کهگیلویه و بویراحمد، از غرب و شمال غربی به شهرستان ایذه و از جنوب به شهرستان باغملک محدود می‌شود.

جدول ۱: آمار جمعیتی بخش دهدز

دهستان	خانوار	زن	مرد	جمعیت
دهدز	۱۴۹۷	۳۴۴۶	۳۳۳۱	۶۷۷۷
دنباله‌رود جنوبی	۱۲۶۷	۳۰۲۱	۲۸۹۹	۵۹۲۰
دنباله‌رود شمالی	۸۳۳	۱۹۱۳	۱۹۵۲	۳۸۶۵

(مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰).

موقعیت و جانمایی سد کارون ۳

ساختمان سد و نیروگاه کارون ۳ در ۲۸ کیلومتری شرق شهرستان ایذه و در فاصله ۶۱۰ کیلومتری مصب رودخانه‌ی کارون در شمال شرقی استان خوزستان واقع شده است. این طرح در حدود ۱۲۰ کیلومتری بالادست سد شهید عباسپور (کارون ۱) قرار دارد.

فاصله‌ی هوایی طرح کارون ۳ از اهواز، تقریباً ۱۴۰ کیلومتر است (رضائی‌بنیس، ۱۳۸۹: ۱۰).



نقشه‌ی ۱: موقعیت جغرافیایی دریاچه و سد کارون ۳ در شمال شرق استان خوزستان

پیشینه پژوهش

مطالعات نشان می‌دهد پیشینه‌ی سازه‌های آبی و مدیریت آن به لحاظ اهمیت و نقش آب در زندگی بشر به تاریخ یک‌جانشینی انسان برمی‌گردد. از آن زمان تاکنون جامعه‌ی انسانی آثار بارزشی در خصوص سازه‌های فیزیکی و مدیریت منابع آب بوجود آورده است. از نظر سابقه‌ی تاریخی، داستان مدیریت آب در ابعاد گسترده به سازه‌هایی بر می‌گردد که حدود ۶۰۰۰ سال قبل، تمدن‌های قدیمی از قبیل مصر، آسیای شرقی، هند و چین با ساخت و ذخیره‌سازی آب در پشت آن‌ها نیازهای خود را در فصل کم‌آبی برطرف می‌کردند. مطالعه و ساخت سازه‌های مهندسی مدرن در ایران از دهه‌ی ۱۳۳۰ آغاز شده است. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تعدادی از این پروژه‌ها به بهره‌برداری رسید. از دهه‌ی ۱۳۷۰ ساخت سازه‌های آبی در ایران ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد و تاکنون تعداد قابل توجهی از این سازه‌ها به بهره‌برداری رسیده است. در این مدت بررسی و ارزیابی پیامدهای سازه‌های آبی عمدتاً به کمیته‌ی ملی آبیاری و زهکشی و سایر بخش‌های وزارت نیرو محدود شده است. سرمایه‌گذاری سدسازی در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ عمدتاً در مناطق برخوردار نظیر دشت خوزستان، مغان، جلگه‌ی گیلان و سایر مناطق مستعد صورت گرفته است. در این مناطق

شرکت‌های سهامی زراعی و حتی شرکت‌های چند ملیتی بهره‌برداران اصلی منابع آب تنظیم شده سازه‌های مهندسی بودند.

- در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ طرحی تحت عنوان مطالعات اجتماعی، اقتصادی و طبیعی حوضه‌ی بالادست سد کارون ۳ در سازمان اجرایی طرح و توسط معاونت پژوهش جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران اجرا گردید. هدف از اجرای طرح مذکور بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی حوضه‌ی بالادست و شناسایی راه‌های کاهش یا جلوگیری از بروز مسائل اجتماعی ناشی از احداث سد و انتقال جمعیت ساکن در روستاهای منطقه بوده است و به طور خاص، بررسی زمینه‌های مناسب ایجاد فرصت‌های شغلی در روستاهای مجاور دریاچه‌ی سد یا در سایر روستاها و شهرهای منطقه احداث سد مد نظر بوده است.

- جهاد دانشگاهی تحقیقات دیگری نیز در زمینه‌ی ارزیابی پیامدهای سدسازی (سد کارون ۴ و سد گتوند علیا) نیز به انجام رسانده بود. این ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که احداث سد از مهم‌ترین پروژه‌های توسعه‌ای و عمرانی است که بسیاری از کشورها به آن مبادرت ورزیده‌اند. غالباً تولید انرژی برقابی، تنظیم آب رودخانه‌ها و کنترل سیلاب‌های مخرب، توسعه‌ی مناطق، ایجاد اشتغال و تولید صنعتی، اهداف و مزایای ساخت سدها محسوب می‌شوند. سدها علاوه بر آثار طبیعی، زیست‌محیطی و اقتصادی، در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز آثار و پیامدهای مثبت و منفی فراوانی دارند. پیامدهای اجتماعی سدهای بزرگ شامل از بین بردن برخی منابع و تغییر نظام معیشت، اختلال در امور بهداشتی و سلامت، از بین بردن برخی مشاغل و بوجود آوردن برخی فرصت‌های شغلی دیگر، توسعه‌ی ارتباطات و غیره مواردی از این دست محسوب می‌شوند.

چارچوب نظری پژوهش

در اینجا منظور از تأثیر "تغییرات مهم یا پایدار در زندگی مردم که در نتیجه‌ی عمل معین یا مجموعه اعمال معینی به وجود می‌آید"، است (روچ^۱، ۱۳۸۷: ۴۱). به عبارت دیگر منظور از تأثیر اجتماعی نتایج و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی طرح است که شیوه‌ی زندگی، کار، تفریح، ارتباط تأمین نیازها و ایفای نقش آن‌ها را بعنوان اعضای جامعه تحت تأثیر قرار دهد؛ البته شاید نکته‌ی مهم‌تر پیامدهای فرهنگی در ارتباط با تغییرات در

^۱ Rouch

هنجارها، ارزش‌ها و باورهایی است که افراد اجتماع محلی دارند. با توجه به اهمیت کیفیت زندگی در توسعه و بهزیستی اجتماعات انسانی، سنجش کیفیت زندگی و تبیین عوامل مؤثر بر آن اهمیتی ویژه دارد، بنابراین لازم است علاوه بر مکان‌یابی بهینه‌ی مکان روستا، پس از اسکان مجدد نیز وضعیت معیشتی روستائیان بررسی گردد. کیفیت زندگی مقوله‌ای میان رشته‌ای و مفهومی چند بعدی و پویا می‌باشد که متشکل از ابعاد عینی و ذهنی است. کیفیت زندگی از زمان و مکان جغرافیایی و نظام ارزشی جامعه متأثر می‌باشد و به احساس رضایت فرد از شرایط زندگی اطلاق می‌شود. شاخص‌های ذهنی از پیمایش ادراکات، ارزیابی‌ها و رضایت ساکنین از زندگی بدست می‌آیند، حال آنکه شاخص‌های عینی به حقایق قابل مشاهده - که غالباً از داده‌های ثانویه بدست می‌آیند - مربوط است.

سنجش کیفیت زندگی: کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که ابعاد عینی و بیرونی، ذهنی و درونی را در بر می‌گیرد. پاکیون^۱ معتقد است اصطلاح کیفیت زندگی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند، مثل آلودگی و کیفیت مسکن و همچنین به برخی صفات و ویژگی‌های خود مردم مانند سلامت و دسترسی اشاره دارد.

افزون بر مسئله‌ی تعریف کیفیت زندگی، بحث‌های زیادی در مورد قلمروهای مورد استفاده در مطالعه‌ی کیفیت زندگی مطرح است. هازل هندرسون^۲ و همکارانش (۲۰۰۰)، دوازده قلمرو شامل آموزش، کار، انرژی، محیط زیست، سلامت، حقوق انسانی، درآمد، زیرساخت‌ها، امنیت، اصلاحات و مسکن را برای سنجش کیفیت زندگی پیشنهاد کرده‌اند. هاگرتی و همکاران در سال ۲۰۰۱ اظهار داشتند که هفت قلمرو شامل روابط با خانواده، بهزیستی عاطفی، بهزیستی مادی، سلامت، کار و فعالیت مولد، احساس تعلق به اجتماع و امنیت فردی می‌توانند فضای کیفیت زندگی را به خوبی پوشش دهند.

جانسون^۳ (۲۰۰۲)، نه قلمرو شامل منابع اقتصادی و شرایط مصرف‌کننده‌ها، وضعیت کار و اشتغال، آموزش و دسترسی به مدارس، سلامت و دسترسی به خدمات بهداشتی، زندگی و روابط اجتماعی، مسکن و تسهیلات آن، فرهنگ و فراغت، امنیت فردی و منابع سیاسی و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. از دیدگاه توسعه‌ی پایدار روستایی مؤلفه‌ها

¹ Pacione

² Hazel Henderson

³ Janson

و معیارهایی در سنجش کیفیت زندگی مؤثرند. در این چارچوب کلی برای رسیدن به پایداری اجتماعی روستا، مؤلفه‌ی کیفیت زندگی تعریف می‌شود که خود شامل معیارهای کیفیت اشتغال و درآمد و همچنین کیفیت خدمات و مسکن می‌باشد. به طور کلی به علت نبود یک چارچوب دقیق و منطقی در جهت سنجش و ارزیابی شرایط و وضعیت رفاهی یا کیفیت زندگی در نقاط روستایی، مؤسسه‌ی تحقیقات توسعه‌ی اجتماعی ملل متحد اقدام به تعریف مقیاس‌هایی در سطح جهانی برای سنجش کیفیت زندگی کرده است که عبارتند از: بهداشت، تغذیه، محیط طبیعی، اوقات فراغت، امنیت، آموزش و درآمد.

در مطالعات اخیر، کیفیت زندگی را به دو روش اندازه‌گیری می‌کنند. روش اول شاخص‌های عینی را برای سنجش کیفیت زندگی مورد استفاده قرار می‌دهد. شاخص‌های عینی، شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی قابل سنجش برای انعکاس میزان تأمین نیازهای انسانی هستند که با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای رسمی بررسی می‌شوند. در روش دوم، شاخص‌های ذهنی قرار دارند که سطح رضایت افراد و گروه‌ها را که اصطلاحاً بهزیستی ذهنی نامیده می‌شود، ارزیابی می‌کنند. در رویکرد ذهنی، کیفیت زندگی بر حسب رضایت کلی افراد از زندگی و بعنوان یک کل اندازه‌گیری می‌شود. در این روش رضایت کلی از زندگی معمولاً با استفاده از پاسخ شهودی یا منطقی اندازه‌گیری می‌شود. روش دیگر برای سنجش کیفیت زندگی در رویکرد ذهنی استفاده از قلمروهای مختلف زندگی است. بر اساس این روش زندگی به قلمروهای مختلفی تقسیم شده و ترکیب میزان رضایت حاصل از هر یک از قلمروها، کیفیت کلی زندگی را نشان می‌دهد (رضوانی، ۱۳۹۲: ۹۰-۸۹).

بر این اساس در این مقاله قلمروهای تشکیل‌دهنده‌ی کیفیت زندگی مشخص شده و با استفاده از این قلمروها در رویکردی ذهنی (شهودی و منطقی)، روستاهای اسکان مجدد یافته و روستاهای حاشیه‌ی کارون در اثر احداث سد کارون ۳ مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. /*اسکان مجدد: هاردوی و ساترت ویت^۱ معتقدند در گذشته، اسکان مجدد و جابجایی از بالا به پایین و دولت محور بوده و از مشارکت عمومی امتناع نموده است؛ بنابراین منجر به تولید مسکنی که مردم تمایلی به آن نداشتند و در مکانی که هیچ کس خواستار زندگی در آن نیست، شده است.*

^۱ Hardoy & Satterthwaite

سیاست‌های اجرایی برای بازسازی عبارتند از: تجمیع و ادغام، در جاسازی و جابجایی یا انتقال که ابعاد آن به شرح زیر بررسی می‌شود.

تجمیع و ادغام: یکی از سیاست‌های اجرایی در بازسازی مناطق آسیب‌دیده بر اثر حوادث طبیعی (مورد خاص: زلزله) یا حوادث انسانی، سیاست ادغام یا یکپارچه‌سازی مناطق سکونتی آسیب‌دیده است. در این شیوه سکونت‌گاه‌های کوچک و متفرق، خصوصاً سکونت‌گاه‌هایی که آسیب فراوانی را متحمل شده‌اند و یا اینکه به علت تفرق زیاد از نقطه نظر سرویس‌دهی مجدد و تأمین زیرساخت‌های جدید با اشکال اساسی روبرو هستند، در یک مکان جدید (بدون زمینه‌ی سکونت قبلی) مجتمع شده و یا چند روستا در یک روستای دیگر ادغام شده و بازسازی در آن مکان ویژه صورت می‌گیرد.

درجاسازی: در این روش روستا در محل اصلی خود مورد بازسازی قرار گرفته است.

جابجایی و انتقال (اسکان مجدد): به معنی هر نوع جابه‌جایی یا تغییر اساسی در محل سکونت است. اسکان مجدد به شیوه‌ی جابجایی به دو گروه تقسیم می‌شود:

الف) اسکان مجدد یا جابجایی جامع که در برگیرنده‌ی امکانات رفاهی همچون تدارک اشتغال، مسکن، بهداشت و آموزش است.

ب) جابجایی به همراه تدارک مسکن و زیرساخت‌های اجتماعی مانند روش‌های خودیاری، مکان‌ها و خدمات.

موفقیت پروژه‌های اسکان مجدد و پذیرش سکونت‌گاه جدید از طرف مردم بستگی زیادی به همخوانی مکان اولیه و مکان جدید پس از جابجایی دارد. به طور کلی همزمان با برنامه‌ریزی جابجایی باید کنترل بهداشتی و اقتصادی این افراد انجام شود و آنها را در جریان منفعت همگانی طرح‌های توسعه‌ی ملی قرار داد و به حفظ هویت آنها کمک نمود. بسیاری از مردم بخصوص افراد مسن به مکانی که در آن متولد گردیده و رشد یافته‌اند دلبستگی عاطفی دارند؛ بنابراین با چنین مواردی که از سوی آنها قابل احترام است باید با مراقبت و ظرافت برخورد کرده و همواره از اجبار اجتناب کرد. در مقابل، با انگیزه دادن آنها را تشویق به نقل مکان به سمت برخورداری از استانداردهای بالاتر زندگی رهنمون کرد، بطوریکه اطمینان‌یابند اسکان مجدد به نفع آنها و برای کمک به بهبودی شرایط آنهاست و در آن مشارکت کنند (همان: ۹۱-۹۲).

شاخص‌های پایش (بررسی کارایی بالقوه) برنامه‌های اسکان مجدد از دیدگاه بانک جهانی (۱۹۹۶) و (۱۹۹۳) شامل موارد زیر است:

- میزان برخورداری جامعه تحت تأثیر چگونه است؟
- آیا افراد جابجا شده در خانه‌های نو اسکان یافته‌اند؟
- آیا اقدامات کمکی برای جوامع میزبان اجرا شده است؟
- آیا اقدامات مرمتی و بازسازی برای زیرساخت‌های اجتماعی و خدماتی انجام شده است؟
- آیا جوامع اسکان مجدد یافته قادر به دسترسی به مدارس، خدمات، بهداشت و مکان‌های فعالیت‌های فرهنگی هستند؟
- آیا فعالیت‌های ترمیمی درآمدی و معیشتی (از قبیل استفاده از زمین‌های جایگزین، شروع مجدد تولید و آموزش افراد) در برنامه لحاظ شده است؟
- چه تغییراتی در الگوهای اشتغال، تولید و استفاده از منابع نسبت به وضعیت قبلی رخ داده است؟
- چه تغییراتی در هزینه‌های زندگی و درآمد نسبت به قبل از پروژه ایجاد شده است؟
- در پارامترهای اجتماعی و فرهنگی چه تغییراتی در ارتباط با استانداردهای زندگی رخ داده است؟
- چه تغییراتی برای گروه آسیب‌پذیر رخ داده است؟

منافع اجتماعی سدها در حوزه‌های بالادست و پایین‌دست

- ساخت سدهای بزرگ علاوه بر منافع اقتصادی و تکنولوژیکی دارای آثار اجتماعی شامل اثر آن بر نظام معیشت، سلامت، نظام‌های اجتماعی و فرهنگ‌ها هستند. در مجموع می‌توان منافع اجتماعی ساخت سدها را چنین برشمرد:
- ۱- ایجاد امکانات زیرساختی: جاده، خطوط برق‌رسانی، خدمات اجتماعی و سایر تأسیسات زیربنایی مربوط به یک سد، امکانات دستیابی به نواحی دور افتاده را امکان‌پذیر ساخته و باعث اسکان جمعیت و اتصال اقتصاد منطقه‌ای به بازارهای مالی می‌شود.
 - ۲- اجرای برنامه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای: احداث سد هم در فرایند ساخت و هم در زمان بهره‌برداری نتایجی مستقیم یا غیر مستقیم در توسعه‌ی منطقه در بردارد.
 - ۳- ایجاد مشاغل جدید: سدها در دوره‌ی ساخت، به شمار زیادی کارگران غیر ماهر و شمار کمتری از کارگران ماهر نیاز دارند؛ بنابراین در مرحله‌ی ساختمانی هم برای کارگران ماهر و هم برای کارگران غیر ماهر کار جدید ایجاد می‌شود. منافع حاصل برای جوامع

محلّی به علت تأثیرهای کوتاه مدت اقتصادی عملیات ساختمانی، گذر است؛ اما ممکن است برنامه ریزی دقیق، رونق اقتصادی در محل ایجاد کرده و به منافع درازمدت نیز بینجامد.

۴- دسترسی به آموزش: در خیلی از موارد به دلیل جابه جایی مردم و دستیابی آنان به امکانات رفاهی بهتر و ایجاد امکانات در منطقه‌ی طرح، دسترسی آنان به آموزش بهتر شده است؛ همچنین بدلیل تغییر و تحولات ایجاد شده در منطقه‌ی طرح، مردم توانمندتر شده‌اند.

۵- تأثیرات مثبت فرهنگی: با بهبود فرصت‌های تحصیلی، امکان انجام فعالیت‌های اجتماعی، بالا بردن آگاهی مردم و بهبود پایگاه اجتماعی گروه‌های فقیر.

۶- دسترسی به مواد غذایی: بطور کلی احداث سدهای بزرگ، موجب امنیت بیشتر غذایی و تغذیه‌ی مناسب‌تر در سطح خانوارهاست.

۷- رواج ارزش‌های توسعه‌ای و کم شدن تعصبات: احداث سد و تغییرات تکنولوژیک و مهاجرت و جابه جایی ناشی از آن منجر به شکل‌گیری تدریجی نظام ارزشی نوین در منطقه خواهد شد که با نظام ارزشی سنتی قبل تا حدی متفاوت خواهد بود. افزایش تماس‌ها و مبادلات فرهنگی با متخصصین حوزه‌ی سد و کسانی که به نحوی در سد مشغول‌اند و ورود ماشین‌آلات و فن‌آوری‌های نوین به منطقه، به تقویت نظام ارزشی توسعه‌ای کمک خواهد کرد (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳-۲).

۸- گسترش صنعت توریسم: احداث سدها مناظر و چشم‌اندازهای بکر و طبیعی را بوجود می‌آورد که خود منجر به جذب گردشگر و رونق اقتصادی منطقه می‌گردد.

۹- امکان توسعه‌ی ورزش‌های آبی، قایق‌رانی و ماهیگیری: دریاچه‌های پشت سدها، موقعیت مناسبی را برای توسعه‌ی ورزش‌های آبی و زمینه‌ی مناسبی را برای ماهیگیری فراهم می‌آورند.

۱۰- افزایش ارزش ملک و زمین در منطقه: سدها با تأمین آب مورد نیاز کشاورزی امکان آباد کردن زمین‌های بایر را می‌دهند که این امر باعث افزایش ارزش زمین‌های برخوردار از آب سد می‌شود.

مضار اجتماعی سدها در حوزه‌های بالادست و پایین دست

۱- جابه جایی اجباری مردم و مشکلات اسکان مجدد: به دلیل آنکه عمده سکونت‌گاه‌های انسانی در ایران در اطراف منابع آب شکل گرفته‌اند و شکل‌گیری آبادی‌ها

منوط به وجود آب در یک منطقه است، احداث سد معمولاً این سکونت‌گاه‌ها را در حوزه‌ی مخزن دچار خسارت می‌کند و محیط طبیعی آن‌جا را دستخوش دگرگونی می‌کند. این تغییر در سکونت‌گاه و مسئله‌ی اسکان مجدد، مسائل عدیده‌ای را ایجاد می‌کند. در نتیجه، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی یک سد، مختل‌کننده، دراز مدت و اغلب برگشت‌ناپذیر است که بطور قطع می‌بایست با برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق به کنترل و هدایت مسائل اجتماعی ناشی از آن پرداخت.

۲- به هم خوردن نظام معیشتی مردم: با جابه‌جایی مردم و زیر آب رفتن زمین‌ها و منطقه‌ی مراتع، مردم نظام معیشت آن‌ها دچار مشکلات زیادی می‌گردد؛ همچنین گروه‌های بومی و آسیب‌پذیر که اقتصاد ملی به رویشان باز شده است، اراضی و معیشت خود را در معرض تهدید نیروهای فراتر از تجربه و کنترل خود می‌بینند.

۳- به خطر افتادن سلامتی اهالی منطقه: اهالی منطقه با ورود شمار زیادی از اهالی خارجی، خود را در معرض مسائل فزاینده‌ی بهداشتی (شامل؛ مالاریا، بیماری‌های جنسی و ایدز) می‌یابند (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳-۴)؛ همچنین با افزایش آب دریاچه‌ی سد و راکد بودن آن بیماری‌هایی چون تیفوس، حصبه، مالاریا و وبا پدید می‌آیند (طهماسکیوگلو و دیگران، ۲۰۰۷: ۷۶۳) که این امر سلامت اهالی منطقه را به خطر می‌اندازد.

۴- از دست رفتن همبستگی و انسجام مردم: احداث سد بر ساختارهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد و تعارضاتی را در میان گروه‌های مردم پدید می‌آورد (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴).

۵- جلوگیری از انتقال رسوبات به زمین‌های کشاورزی پایین‌دست: ساخت سدها و نگهداشتن رسوبات در دریاچه‌ی سدها، موجب می‌شود که از انتقال رسوبات که تغذیه‌کننده‌ی زمین‌های کشاورزی پایین‌دست سدها می‌باشند جلوگیری به عمل آید و این امر منجر به فرسایش زمین‌های کشاورزی پایین‌دست می‌شوند (طهماسکیوگلو و دیگران، ۲۰۰۷: ۷۶۳).

۶- تأثیرات منفی بر آثار فرهنگی و باستانی: سدهای بزرگ تأثیر منفی قابل توجهی بر میراث فرهنگی و آثار باستان‌شناسی از طریق از بین رفتن منابع محلی فرهنگی (معابد، مزارها، مکان‌های مقدس و مذهبی، هنرهای دستی و ساختمان‌ها) و تاریخی و به زیر آب رفتن و خراب شدن آثار باستانی و معماری می‌گذراند (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴؛ طهماسکیوگلو و دیگران، ۲۰۰۷: ۷۶۲).

۷- بوجود آمدن مسائل روانی: سدها به گونه‌ای قابل ملاحظه بر روی ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منطقه تأثیر می‌گذارند؛ خصوصاً از طریق اجبار مردم به جابه‌جایی و مهاجرت به مناطق دیگر و به زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی و خانه‌هایشان اثرات روانی منفی را برای مردم بومی بوجود می‌آورد (طهماسکیوگلو و دیگران، ۲۰۰۷: ۷۶۳).

۸- امکان ایجاد زلزله‌های القایی: ممکن است به علت پر شدن دریاچه‌های بزرگ پشت سد زلزله‌هایی رخ دهند (همان).

۹- تغییرات آب و هوایی: برخی تغییرات جوی بدلیل تغییر در درصد رطوبت هوا، دمای هوا، جابه‌جایی هوا در مقیاس بزرگ و تغییرات توپوگرافی منطقه بدلیل حجم زیاد آب، ایجاد خواهد شد (همان).

جدول ۲: تأثیرات مثبت و منفی احداث سد کارون ۳

تأثیرات مثبت	تأثیرات منفی
تولید برق، تامین آب و کنترل سیلاب‌ها	جابه‌جایی اجباری (بدون برنامه‌ریزی) و احتمال درگیری‌های اجتماعی
امکان استفاده از روش‌های نو آبیاری کشاورزی	زیر آب رفتن زمین‌های مرغوب و از دست دادن شغل
امکان بهره‌برداری بیشتر و بهینه از مزارع کشاورزی	نابود شدن منابع درآمدزا و کاهش سطح معیشت مردم محلی
امکان توسعه‌ی گردشگری و بالفعل شدن توانایی‌های گردشگری و جذب گردشگر	عدم کارایی نیروی محلی و عدم جذب آن‌ها در شغل‌های آتی به علت عدم داشتن مهارت فنی
امکان ایجاد شغل خدماتی جدید نظیر طبیعت‌گردی و آبی‌پروری	از دست دادن مالکیت زمین و ویرانی نظام تولید
افزایش آگاهی و سطح سواد	فقر اجتماعی و عدم توانایی خرید زمین در شهر
امکان اعمال مدیریت مشارکتی مردم محلی	از بین رفتن راه‌های ارتباطی
افزایش سطح عمومی بهداشت	از بین رفتن آثار باستانی
ارتقا فرهنگ اجتماعی	پراکندگی گروه‌های خویشاوندی و افزایش فردگرایی و انزوا
وجود ارتباطات شهر و روستا	تشدید مهاجرت به شهرها
وجود حس همکاری بین افراد محلی	کالایی شدن و مصرف‌گرایی
ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر	حاشیه‌نشینی و بزهکاری

آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی سد کارون ۳

احداث سد کارون ۳ پیامدها و آثار جدی بر زندگی، معیشت، فرهنگ و معنویت مردم منطقه داشته که این امر به علت غفلت و فقدان قابلیت‌های ایجاد عدالت که از نابرابری‌های ساختاری، ناسازگاری‌های فرهنگی، تبعیض و در حاشیه قرار دادن‌های اقتصادی و سیاسی منتج می‌شود، سبب شده که مردم و قبایل بومی، بطور غیر عادلانه‌ای از آثار منفی پروژه‌ی احداث سد کارون ۳ ضرر ببینند، حال آن‌که اغلب از منافع و سودهای حاصل محروم مانده‌اند.

روستاهایی که مستقیماً از سد تأثیر پذیرفته‌اند بیش از ۷۰ روستا بوده‌اند که دارای ۹۰۵۶ نفر جمعیت در قالب ۱۴۲۱ خانوار بوده‌اند. مهم‌ترین مشاغل این مردم، کشاورزی و دامداری است و برخی از روستائیان نیز به امور خدماتی یا فعالیت‌های دولتی شاغل بودند. از روستاهای تأثیر پذیرفته، ۳۸ روستا به طور کامل از بین رفته‌اند، ۲۸ روستا بخشی از آن‌ها از بین رفته و ۱۱ روستا فقط راه ارتباطی‌شان قطع شده که این امر برای رفت و آمدشان مشکلاتی ایجاد کرده است. برخی از روستاهایی که بطور کامل یا بخشی از آن‌ها زیر آب رفته‌اند عبارتند از: بارز، شوارز (آبادی‌های شهرستان لردگان استان چهارمحال بختیاری)، بوحوض، بادام‌زار، حوض‌گل، بلوطک شالو، کلخنگدون، تسییحی، تنگ قاف، امامزاده شهپیر، پس قلعه، پشت آسیاب شیوند، گود عبدالرضا، شوشتری، بنه بلوط، زراس، بردکل، گرموت، فالج، دره‌خون، ده نوفالچ، نوشیوند، درب، سه‌چارک، چم مولا، تنه، مورد، پل شالو، دوشلوانی، ده زیر، کفت ملک، دهدز، زیر کوه، رکعت‌علیا، باجول، کهرلا، ده برافتاب، بزرگ شیوند، جوکار، گویله، آب‌گنجشکان، گود جهره، تنگ‌زیر، لیشیران، لیرسیاه، چمن، گردلیدان، پاتاوه، مرغا، میراحمد، دره‌ی بلوطک، دره‌ی گولک، سه بلوطک و ...

برخی از روستاهایی که بطور کامل و یا بخشی از آن‌ها زیر آب رفته بود با مهاجرت گسترده‌ی ساکنانشان به شهرستان ایذه و دیگر شهرهای استان و در برخی موارد استان‌های دیگر نظیر چهارمحال بختیاری و اصفهان مواجه گردیدند. این امر منجر به پراکندگی روابط خویشاوندی و از بین رفتن همبستگی و انسجام قومی و افزایش فردگرایی و انزوا و به تبع آن حاشیه‌نشینی و بزهکاری گردیده است. برخی دیگر از روستائیان نیز به روستاهای مجاور پیوسته‌اند که این امر ضمن از بین بردن فرهنگ بومی منجر به ایجاد درگیری‌های اجتماعی گردیده است. در واقع برنامه‌های اسکان مجدد توجه‌ی خود را به طور عمده معطوف به اسکان فیزیکی کرده‌اند و به فرآیند توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی

مردم جابه‌جا شده و سایر مردم اثرپذیر، توجهی نداشته‌اند. در فرآیند برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های سدسازی، مردم اثرپذیر برای اسکان مجدد و نوسازی، یا مشارکتی نداشتند یا اینکه مشارکت آن‌ها معنی‌دار نبوده است. در واقع مشخصه‌های چنین فرآیند اسکان مجددی، اغلب جابه‌جایی‌های اجباری، تلخ، همراه با تأخیر و نیز انکار و رد امکانات توسعه برای سال‌ها و حتی دهه‌ها بوده است. به طور کلی می‌توان گفت برای مردمی که مجبور به جابه‌جایی فیزیکی شده‌اند و به طور رسمی به مردم "اثرپذیر" معروف هستند، به منظور اسکان مجدد در یک محل جدید کمکی نشده است.

علاوه بر زیر آب رفتن روستاها و زمین‌های کشاورزی، راه‌های ارتباطی دیگر روستاها نیز قطع شده است. محور باجول - شیوند یکی از راه‌های ارتباطی روستائیان بود که بدلیل آبرگیری سد کارون ۳، بخش باجول این جاده بطور کامل زیر آب رفته است. هشت هزار نفر از ساکنان ۳۵ روستای مناطق باجول تا سادات حسینی بطور مستمر و روزانه، به ناچار برای پیمودن عرض رودخانه و رساندن خود به شهر ایزه از بارج استفاده می‌کنند. علاوه بر این، حدود دو هزار نفر از جمعیت روستاهای بارز و شوارز در استان چهار بختیاری بدلیل داشتن روابط خویشاوندی و نیز سنخیت فرهنگی در این مسیر در تردد هستند. با احتساب این افراد، در مجموع ۱۰ هزار نفر از ساکنان روستاهای استان خوزستان و چهار محال بختیاری که در حاشیه‌ی سد کارون ۳ سکونت دارند، به علت نبود جاده در دسترس و استفاده از بارج همواره در معرض خطر سقوط به داخل رودخانه قرار دارند. در واقع قبل از آبرگیری سد کارون ۳، قرار بود جاده‌ی مواصلاتی از دنباله رود از مسیر چهار ده با عبور از گویله، تنگه قاف، شیوند، منطقه‌ی غریبی‌ها و سادات حسینی برای تردد روستائیان ساکن در این مناطق احداث شود که از زمان آبرگیری سد تاکنون اقدامی در این رابطه صورت نگرفته است. علاوه بر این، سد کارون ۳ تأثیرهای منفی قابل توجهی بر میراث فرهنگی داشته است به گونه‌ای که باعث از بین رفتن منابع محلی فرهنگی (مزارها، هنرهای دستی و ساختمان‌ها) و به زیر آب رفتن و خراب شدن آثار باستانی شده است. مصاحبه با ساکنین که با در نظر داشتن رویکرد کیفی انجام شده نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که جوامع روستایی با محیط طبیعی پیرامون خود ارتباط نزدیکی دارند و بخش عمده‌ای از روستاها با تأثیر از عوامل طبیعی مانند رودخانه، چشمه، کوهستان شکل گرفته‌اند؛ لذا جابجایی مکانی و انتقال ساکنین به مکان دیگر باعث گسسته شدن پیوندهای اجتماعی، اقتصادی و ارتباطی با محیط طبیعی آنها گردیده است به طوری که منجر به بروز

مسائلی پیرامون نحوه‌ی سازگاری ساکنان با محیط جدید شده است. در مورد روستاهای حاشیه‌ی سد کارون ۳ با توجه به جابجایی صورت گرفته می‌توان به بروز مشکلاتی از قبیل، تنزل وضعیت دامداری، به زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی و کم شدن دسترسی به مراتع و کاهش دلبستگی به مکان به دلیل فقدان خاطرات جمعی گذشته اشاره کرد. همچنین با توجه به جابه‌جایی و تجمیع صورت گرفته می‌توان به بروز مسائلی از قبیل بر هم خوردن نظام همسایگی، کمرنگ شدن ارتباطات اجتماعی به دلیل بر هم خوردن نظام گذشته، کمرنگ شدن آداب و رسوم خاص محلی به دلیل ورود افراد از سایر روستاها و تجمیع ساکنان روستاهای مختلف در یک مکان اشاره نمود. مجموعه روستاهای متأثر، قبل از اجرای پروژه‌ی سد، مجموعه بسته‌ای را تشکیل می‌دادند، لیکن با ورود اطلاعات، پول، انرژی و ورود عناصر بیرونی و گسترش ارتباط آن‌ها با بیرون، به مجموعه‌ای پویا و باز تبدیل شده‌اند که ویژگی‌ها و مسائل اجتماعی، اقتصادی، روانی و فرهنگی خاصی را دارا هستند. مجموعه تغییرات مثبت و هزینه‌های مربوط به آن‌ها در نهایت سیستم قبلی را که حالت متعادل و خود بسنده‌ای داشت دچار نوعی عدم تعادل در سطوح مختلف فردی و فرافرادی کرده است. از دست دادن شغل، مشخص نبودن وضعیت آینده، ناتوانی در تصمیم‌گیری و تغییر در نظام انتظارات نمونه‌هایی از این دست مسائل می‌باشند. در سطح فرافرادی نیز می‌توان از جابه‌جایی جمعیتی، مهاجرت، فشار بر دیگر نظام‌های نسبتاً متعادل اطراف و بالاخره نامتعادل ساختن دیگر حوزه‌ها یاد کرد. به لحاظ ویژگی‌های اجتماعی - روانی، به دلیل تجربه کردن نوعی ساختارزدایی و خارج شدن از قالب‌های بسته و محدود قبلی، جامعه‌ی مورد نظر دست‌خوش تغییرات گسترده‌ای شده است. به گونه‌ای که درخواست‌ها، انگیزه‌ها و نظام انتظارات روستائیان شاهد تغییراتی هستیم که این تغییرات هم دارای بعدی مثبت و هم دارای بعدی منفی هستند. به این دلیل مثبت هستند که زمینه و آمادگی روانی را برای بروز رفتارها و کنش‌های مثبت، کارا و مؤثر از حیث اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌سازند و منفی بودن آن‌ها بیشتر ناشی از شکل‌گیری نوعی احساس ولع و انتظاری است که چنان‌چه مورد کنترل و سازماندهی قرار نگیرد زمینه را برای بروز رفتارها و کنش‌های ناسازگار و نابهنجار فراهم می‌سازد. در ارزیابی از عوارض منفی سد، از بین رفتن زمین‌های کشاورزی، از بین رفتن منبع درآمد، سرگردانی و بلا تکلیفی جابه‌جایی، از بین رفتن همبستگی قومی، تشدید اختلافات محلی و خانوادگی و تعویق کار عمرانی از مواردی هستند که از طرف روستائیان مطرح شده‌اند.

تمامی روستائیان نسبت به از بین رفتن زمین کشاورزی بعنوان یک عارضه منفی اتفاق نظر دارند. در زمینه مهاجرت، به خصوص بخش‌هایی که صورت اجباری دارد، یعنی در روستاهایی که بصورت کامل در دریاچه سد قرار می‌گیرند و یا راه‌های ارتباطی آن‌ها قطع می‌شود همراه با نوعی از دست دادن احساس تعلق و هویت و پیوستگی روانی، اجتماعی و فرهنگی است.

بطور کلی اثرات احداث سد کارون ۳ بر روستاهای حاشیه‌ی آن را می‌توان چنین برشمرد:

۱- *زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی و مهاجرت به شهرها:* روستائینی که زمین‌های کشاورزی‌شان را از دست داده‌اند و این امر خود موجب ویرانی نظام تولید و تشدید مهاجرت به شهرها در جهت یافتن شغل شده است.

۲- *افزایش فقر و بیکاری و سرگردانی خانواده‌های مهاجر:* مهاجرین روستایی بدلیل از دست دادن شغل خود که عمدتاً کشاورزی و دامداری است برای یافتن شغل در شهرها به کارگری روی می‌آورند و از آنجایی که در شهر نیروی کار مازاد وجود دارد، منجر به افزایش فقر و بیکاری در میان مهاجرین و سرگردانی خانواده‌های آن‌ها در محیط شهری می‌شود.

۳- *از بین رفتن هویت:* زیر آب رفتن خانه و زمین‌های کشاورزی روستائیان و مهاجرت آن‌ها به شهرها باعث از بین رفتن هویت روستائیان شده است که در شهرهای بزرگ به دلیل پراکندگی خویشاوندی و از دست رفتن همبستگی و انسجام قومی محلی به حال خود رها شده‌اند.

۴- *عدم اسکان مجدد:* مهاجرین روستایی که روستاهایشان از بین رفته و اسکان مجدد نیافته‌اند به شهرها مهاجرت می‌کنند که این امر موجب تزلزل در هویت قومی محلی‌شان می‌شود و باعث کاهش همبستگی و روابط خویشاوندی و به تبع آن افزایش فردگرایی و انزوا می‌گردد.

۵- *از بین رفتن فرهنگ سنتی و کمرنگ شدن آداب و رسوم محلی:* زیر آب رفتن روستا و از هم پاشیدگی همبستگی و انسجام قومی و مهاجرت منجر به از بین رفتن فرهنگ و رسوم محلی گردیده است.

۶- *پیدایش شغل‌های کاذب:* مهاجرین روستایی به علت نداشتن مهارت، اغلب به شغل‌های کاذب در شهرها روی می‌آورند.

۷- افزایش حاشیه‌نشینی و انزوا: مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ و عدم توانایی خرید مسکن به دلیل گرانی و گرایش به حاشیه‌ی شهرها منجر به افزایش حاشیه‌نشینی و از طرفی دیگر پراکندگی روابط خویشاوندی و از بین رفتن همبستگی و انسجام قومی منجر به افزایش انزوا و فردگرایی و به تبع آن افزایش جرم و بزهکاری در شهرهای بزرگ می‌گردد.

۸- از بین رفتن راه‌های ارتباطی: احداث سد کارون ۳ باعث از بین رفتن راه‌های ارتباطی روستائیان گردیده به گونه‌ای که آنان توسط دریاچه‌ی سد تحت محاصره قرار گرفته‌اند.

۹- از بین رفتن آثار فرهنگی و تاریخی: سد کارون ۳ باعث زیر آب رفتن آثار فرهنگی و تاریخی گردیده است؛ نظیر زیر آب رفتن پل تاریخی شالو.

۱۰- از بین رفتن زمین‌های کشاورزی و باغات: در اثر احداث سد کارون ۳ زمین‌های حاصل خیز کشاورزی زیادی زیر آب رفته‌اند، و این امر باعث از بین رفتن مالکیت زمین و شغل روستائیان شده است.

۱۱- احتمال درگیری‌های اجتماعی: مهاجرت روستائیان به شهرها یا روستاهای همجوار بدلیل نداشتن قرابت فرهنگی منجر به درگیری‌های اجتماعی گردیده است.

۱۲- بوجود آمدن مسائل روانی: زیر آب رفتن قبور نیاکان، باعث از دست دادن ارتباط مردم محلی با نیاکان خود شده که این امر مسائل روانی را در پی داشته است.

۱۳- کالایی شدن و مصرف‌گرایی: یکی از پیامدهای زیر آب رفتن روستاها و مهاجرت به شهرها، کالایی شدن و مصرف‌گرایی خانوادگی روستایی است که قبلاً بصورت خودکفا امورات خود را می‌گذراند.

۱۴- افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی: مهاجرت به شهرها، نداشتن شغل، حاشیه‌نشینی و انزوا، افزایش فردگرایی و از بین رفتن روابط خانوادگی و همبستگی قومی در نهایت منجر به افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی گردیده است.

۱۵- از بین رفتن معیشت مبتنی بر دام: زیر آب رفتن روستاها و عدم اسکان مجدد عمدتاً منجر به از بین رفتن معیشت مبتنی بر دام، روستاهایی شده که شغل دامپروری داشته‌اند.

۱۶- عدم برخورداری از آب شرب: روستائیان حاشیه‌ی سد کارون ۳ در حالی در کنار بزرگ‌ترین دریاچه و نیروگاه خاورمیانه زندگی می‌کنند که خود از آب شرب آن بی‌بهره‌اند،

در حالیکه قبل از احداث سد هر یک از روستاها چشمه‌هایی برای تأمین آب شرب خود را داشتند که با آبیگری سد کارون ۳ روستاها و چشمه‌های آن زیر آب رفته است.

۱۷- گرم شدن بیش از حد منطقه: بر اثر احداث سد کارون ۳ و تبخیر زیاد از سطح دریاچه، باعث گرم شدن بیش از اندازه‌ی هوای منطقه شده است.

۱۸- بروز بیماری‌های واگیردار: دریاچه‌ی سد بعثت ذخیره‌ی آب و راکد نگهداشتن آن منبع بسیاری از بیماری‌های واگیردار نظیر مالاریا و بیماری‌های خونی است.

پیشنهادات جهت کاهش پیامدهای منفی و تقویت پیامدهای مثبت پروژه

بسیاری از پیامدهای منفی پروژه‌های اجرا شده ناشی از عدم ارزیابی لازم یا ارزیابی‌های ناقصی بوده که تنها به جنبه‌های مثبت اجرای پروژه توجه داشته‌اند. از این‌رو ضرورت دارد که فرایند تصمیم‌گیری در مورد اجرای پروژه یک فرایند طولانی‌مدت باشد تا کلیه‌ی جوانب امر در نظر گرفته شوند، به گونه‌ای که فرایند تصمیم‌گیری طولانی‌مدت و فرآیند اجرا کوتاه‌مدت و کم‌هزینه باشد. از این‌رو در این رابطه می‌توان راهکارهای زیر را ارائه داد:

- اگر چه پروژه‌ی سد کارون ۳ به اجرا در آمده و پیامدهای منفی نیز به همراه داشته، اما راه‌حل کاهش این مشکلات در گرو همکاری بین مسئولان محلی و دولتی نهفته است. مسئولان محلی ضمن ارائه‌ی گزارش مشکلات منطقه به مسئولین دولتی، راه‌حل‌های کاهش این مشکلات را نیز ارائه دهند، از سویی دیگر مسئولین دولتی نیز با مشورت با مسئولین محلی و برنامه‌ریزی دقیق اقدامات لازم را در جهت کاهش مشکلات و توسعه‌ی منطقه بردارند.

- هیچ یک از روستاهای حاشیه‌ی سد از آب دریاچه‌ی سد برای آبیاری مزارع خود استفاده نمی‌کنند چرا که این کار هزینه‌بر است و مستلزم ایجاد کانال‌هایی از دریاچه به مزارع کشاورزی است که از عهده‌ی مردم منطقه خارج است، لذا مسئولین وزارت نیرو با اختصاص دادن بخش از درآمد سد به زیرساخت‌های بخش کشاورزی می‌توانند، باعث توسعه‌ی کشاورزی در منطقه گردند.

- بعد از آبیگری سد کارون ۳ علاوه بر زیر آب رفتن خانه و کاشانه‌ی مردمان منطقه، راه‌های ارتباطی نیز قطع گردیده و تاکنون اقدامات لازم جهت احداث راه، بعمل نیامده است و مردمان منطقه روزانه برای رفتن به شهر و انجام امورات روزانه‌ی خود طول

رودخانه را با بارج می‌پیمایند که علاوه بر مشکلات مربوط به تردد که ساعت‌ها بطول می‌انجامد خطرات جانی را نیز در پی دارد؛ لذا باید اقدامات لازم در جهت احداث راه‌های ارتباطی و زمینی جدید بعمل آید.

- ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی - رفاهی به مردمان جابه‌جا شده.
- روستائیان حاشیه‌ی سد، در کنار بزرگ‌ترین دریاچه و نیروگاه خاورمیانه زندگی می‌کنند اما خود از برق و آب شرب آن بی‌بهره‌اند؛ بنابراین ضرورت ایجاد می‌کند که بخشی از درآمد سد، صرف توسعه‌ی روستاهای منطقه گردد.
- مردمی که در اثر اجرای پروژه‌ی سد، اراضی کشاورزی و مشاغل خود را از دست داده‌اند باید مورد توجه قرار گیرند. این گروه از مردم، آسیب‌پذیرترین طبقه در نظر گرفته شوند و باید مشمول ارائه‌ی خدمات رفاهی گردند.
- علاوه بر واگذاری مسکن به مردم جابه‌جا شده باید برای جمعیت جابه‌جا شده نیز شغل‌هایی در محل‌های اسکان جدید ایجاد شود تا مانع از مهاجرت‌های آنان به شهر شود.
- رعایت مسائل بهداشتی، به ویژه دفع صحیح زباله در جهت جلوگیری از بیماری‌های واگیردار.
- انجام ارزیابی‌های مستمر در حین اجرای سدسازی و حتی پس از اتمام آن. از این طریق می‌توان هزینه‌های پیش‌بینی نشده و پنهان را که در طی زمان‌های مختلف بروز می‌کنند، شناسایی کرد و با سیاست‌گذاری دقیق برای مدیریت آنها اقدام کرد. این ارزیابی‌ها می‌تواند ما را در طراحی سدهای بعد و پیش‌بینی‌های دقیق در آنها نیز یاری کند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به ارزیابی پروژه‌ی احداث سد کارون ۳ در بخش دهدز شهرستان ایذه پرداخته شد. هدف از اجرای پروژه‌ی مذکور تولید برق، تأمین آب کشاورزی و کنترل سیلاب بود. بررسی روستاهای حاشیه‌ی سد نشان می‌دهد که بخش عمده‌ی ساکنان آن‌ها را گروه‌های کم‌درآمد تشکیل می‌دهند. بدنبال آبرگیری سد کارون ۳ روستائیان حاشیه‌ی آن با مشکلاتی از جمله؛ زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی و باغات، فقر و بیکاری، از بین

رفتن راه‌های ارتباطی، عدم برخورداری از آب شرب کافی، مهاجرت به شهرها، پراکندگی گروه‌های خویشاوندی، از دست رفتن هویت قومی محلی، از بین رفتن فرهنگ سنتی و آداب و رسوم محلی، افزایش فردگرایی و انزوا، حاشیه‌نشینی و بزهکاری، از بین رفتن معیشت مبتنی بر دام، از بین رفتن آثار فرهنگی و تاریخی، مسائل روانی و غیره مواجه شده‌اند. بنظر می‌رسد که پیمانکاران و برنامه‌ریزان پروژه تنها به ابعاد اقتصادی پروژه توجه داشته‌اند و به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی آن توجهی نکرده‌اند و عبارتی هیچ گونه ارزیابی از پیامدهای احداث سد نداشته‌اند و همان رویکرد سخت و فیزیکیال توسعه را دنبال کرده‌اند. در حالیکه در دو دهه‌ی اخیر باحرفه‌ای‌های توسعه از کارگزاران خیریه تا سازمان‌های غیر دولتی اولویت دادن به مردم نسبت به اشیاء، اولویت دادن به فقرا نسبت به ثروتمندان و یاد گرفتن از مردم نه درس دادن به آن‌ها را درک کرده‌اند و رویکرد توسعه، رویکردی انسان‌محور شده است.

رویکرد مورد استفاده برای سنجش کیفیت زندگی، رویکرد ذهنی و تأکید بر رضایت کلی افراد از زندگی و رضایت از قلمروهای مختلف زندگی بود. برای سنجش میزان رضایت افراد از قلمروهای زندگی، ۷ قلمرو شامل مسکن، زیرساخت‌ها، محیط زیست، خدمات رفاهی، اطلاعات و ارتباطات، بهزیستی، درآمد و اشتغال مورد توجه قرار گرفت. مصاحبه با ساکنین نشان داد که بیشترین میزان نارضایتی را از زیرساخت‌ها دارند که مربوط به وضعیت آب آشامیدنی روستاها، کیفیت برق و روشنایی منازل و معابر عمومی، وضعیت راه‌های منتهی به روستا، کیفیت معابر، خیابان‌ها، کوچه‌ها، ایمن‌سازی روستا در مقابل بلایای طبیعی از قبیل سیل و زمین لرزه، وضعیت آب مورد نیاز برای آبیاری مزارع و باغات است. در واقع همین نارضایتی از زیرساخت‌ها بویژه نبود راه‌های ارتباطی عامل اصلی مهاجرت بسیاری از روستائیان به شهرهای استان و دیگر استان‌ها بوده است. در رابطه با قلمروهای دیگر به ترتیب قلمرو خدمات رفاهی، اطلاعات و ارتباطات، درآمد و اشتغال، بهزیستی، محیط زیست و مسکن مورد نارضایتی ساکنان منطقه بوده است.

در واقع پس از ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی پروژه می‌توان نتیجه گرفت که احداث سد کارون ۳ ضربه‌ای سخت و جبران‌ناپذیر بر پیکره‌ی اقتصاد محلی روستاهای حاشیه‌ی آن بوده است به گونه‌ای که با زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی و باغات باعث ویرانی نظام تولید سنتی شده و موجب مهاجرت روستائیان به شهرها شده است. مهاجرت روستائیان نیز منجر به مسائل و مشکلاتی از قبیل؛ از دست دادن هویت، از بین رفتن

همبستگی و روابط خانوشاوندی، حاشیه‌نشینی و بزهکاری و در نهایت فقر و بیکاری گردیده است. از طرفی دیگر احداث سد بر ساکنانی که در محل زندگی خود باقی مانده‌اند نیز اثراتی داشته است که از آن جمله‌اند: با توجه به جابه‌جایی و تجمیع صورت گرفته می‌توان به بروز مسائلی از قبیل بر هم خوردن نظام همسایگی، کم‌رنگ شدن ارتباطات اجتماعی به دلیل بر هم خوردن نظام گذشته، کم‌رنگ شدن آداب و رسوم خاص محلی به دلیل ورود افراد از سایر روستاها و تجمیع ساکنان روستاهای مختلف در یک مکان، کاهش سرمایه‌ی اجتماعی، از بین رفتن راه‌های ارتباطی، وجود خطرات جانی در استفاده از بارج، نبود امکانات و خدمات بهداشتی کافی، عدم برخورداری از آب شرب و برق، گرمای شدید منطقه بر اثر تبخیر آب دریاچه، احتمال درگیری‌های اجتماعی بدلیل اسکان اجباری و غیره برای روستاییان حاشیه‌ی سد برشمرد.

فهرست منابع:

- برج، رابل جی (۱۳۸۹). راهنمایی عملی تأثیرات اجتماعی، مترجمان محمدعلی رمضانی و مرتضی قلیچ، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- رحمتی، علیرضا و نظریان، اصغر (۱۳۸۹). "آثار اقتصادی - اجتماعی و محیط زیستی سکونتگاه‌های مشمول جابه‌جایی ناشی از ایجاد سدها (مطالعه‌ی موردی: سد گتوند علیا و رودخانه‌ی کارون)", فصلنامه‌ی پژوهش‌های محیط زیست، سال ۱، شماره‌ی ۲.
- رضائی بنیس، نادر (۱۳۸۹). مجله‌ی الکترونیک هیدرولیک، انجمن هیدرولیک ایران، سال اول، شماره‌ی ۱، خرداد.
- رضوانی، محمدرضا؛ کوبکی، لیلا و منصوریان، حسین (۱۳۹۲). "تأثیر اسکان مجدد بر کیفیت زندگی روستاهای آسیب دیده از سوانح طبیعی (مطالعه‌ی موردی: شهرک زنجیران و شهرک ایثار - استان فارس)", نشریه‌ی مسکن و محیط روستا، شماره‌ی ۱۴۴، زمستان.
- روچ، کریس (۱۳۸۷). ارزیابی تأثیر اجتماعی، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران با حمایت مالی دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- طالب، مهدی (۱۳۹۱). شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق کمی و کیفی)، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- میرزایی، علی؛ هاشمی، سید ضیا؛ حیدری، کاوس و میرزایی، حسین (۱۳۹۰). تأثیرات اجتماعی ساخت سدها بر مردم حوزه‌ی تحت تأثیر سد، با بررسی سد بزرگ کارون ۳، کارون ۴ و گتوند علیا، اولین کنفرانس بین‌المللی و سومین کنفرانس ملی سد و نیروگاه‌های برق آبی
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سرشماری نفوس و مسکن، آمار و اطلاعات جمعیت روستایی استان خوزستان.

Aird Sarah C. (2001). China Three Gorges: The Impact of Dam Construction on Emerging Human Rights, American University Washington College of Law.

Hossain Faisal, J., Indumathi and Pielke Sr. Roger (2010). "Dam safety effects due to human alteration of extreme precipitation", water resources research, Vol. 46, doi: 10.1029/2009wr 007704.

Namy, S. and Evans, D. J. (2007). Addressing the Social Impact of Large Hydropower Dams, *The Journal of International Policy Solutions*.

Tahmiscio lu M. Sait, Anul N., Ekmekç F. and Durmu N. (2007). "Positive and Negative Impacts of Damson The Environment International Congress on River Basin Management", Turkey, Chapter 2, 759-769.